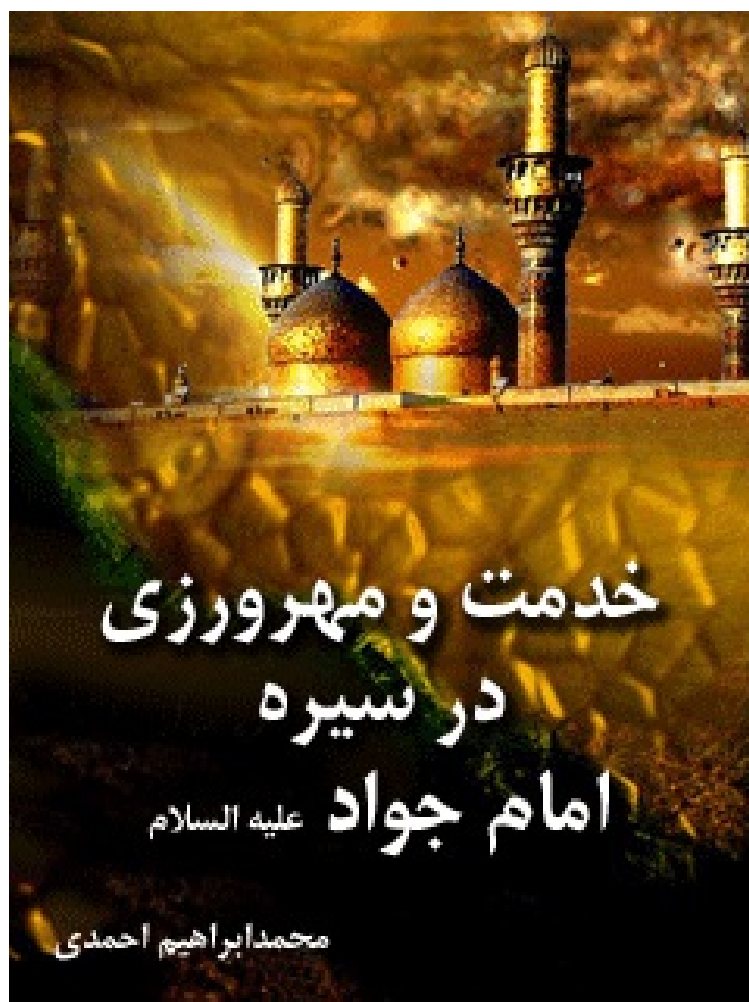


سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدمت و مهرورزی در سیره امام جواد علیه السلام

نویسنده:

محمد ابراهیم احمدی

ناشر چاپی:

محمد ابراهیم احمدی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	خدمت و مهرورزی در سیره امام جواد علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	خدمت چیست؟
۷	مفهوم مهرورزی
۷	سفره پربرکت
۷	اشاره
۷	حق الناس
۸	کارآفرینی
۸	گنجینه‌ی بخشش
۸	سایه سار محبت
۸	در پناه قرآن و عترت
۹	داروی شفا بخش
۹	پیام آور شادی
۹	زدودن نگرانی
۹	مسئولیت؛ خدمت، مهرورزی
۱۰	رهایی از اسارت
۱۰	جویبار مهر
۱۰	اشاره
۱۰	تشویق های پیاپی
۱۱	پاداش نیکی
۱۱	چشمه سار عطوفت

۱۱	اشاره
۱۱	تکریم پدر
۱۲	توشه آخرت
۱۲	توفیق خدمت
۱۲	برکات خدمت
۱۲	حسن اخلاق
۱۲	سفره‌ی احسان
۱۳	بقا و فنا
۱۳	آیین دوستی
۱۳	انگیزه‌ی رفاقت
۱۳	آینه باش!
۱۳	آفت دوستی
۱۳	مساعدت و همیاری

خدمت و مهرورزی در سیره امام جواد علیه السلام

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد ابراهیم احمدی

ناشر: محمد ابراهیم احمدی

مقدمه

در قاموس زندگی، واژگانی وجود دارد که گستره‌ی آن، چشمگیر بوده و در مقابل دیدگان و دل‌های حقیقت‌جو، از قداست و لطافت فراوان برخوردار است. آیا به راستی مصادیق کلماتی چون؛ «خدمت» و «مهرورزی» را می‌توان یک به یک شمارش کرد و سپس در فرصتی اندک به واگویی آن پرداخت، به ویژه اگر پیدایی و شکوفایی آن، ریشه در زندگی عرشیان داشته باشد؟! در نوشتار حاضر که از فصلنامه‌ی فرهنگ کوثر ش ۶۵ برگزیده شده گلچینی از سیره و سخنان امام جواد(ع) به پیشگاه خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود.

خدمت چیست؟

«خدمت» همان کمک کردن و سود رسانی است که هر فردی براساس شرایط زمانی، مکانی و فکری، و نیز توانایی‌ها و امکاناتش، می‌تواند در حق دیگران انجام دهد؛ رهانیدن دیگری از سختی و اندوه و رسانیدن وی به جایگاه مطلوب.

مفهوم مهرورزی

«مهرورزی» نیز اعلام و اعلان دوستی و محبت است که در قالب‌های گوناگون می‌تواند جلوه گر شود؛ اما بر اساس عواملی کیفیت و کمیت آن، مسیر افزایش یا کاهش را می‌پیماید.

سفره پربرکت

اشاره

مسئله‌ی «اقتصاد سالم» یکی از آموزه‌های دینی پیامبران و امامان (ع) می‌باشد؛ لذا بایسته است برای رسیدن به نقطه‌ی مطلوب، سیره‌ی مدیریتی و ارشادی آن بزرگواران مورد پژوهش و سپس کاربردی کردن، قرار بگیرد. به فرازی از گفتار و رفتار امام توجه کنید:

حق الناس

- شخصی به نام مطرفی نقل می‌کند: من چهار هزار درهم به حضرت رضا (ع) قرض داده بودم و جز ما دو نفر، کسی از این قضیه خبر نداشت؛ یک موقع خبر رسید که امام به شهادت رسیده است؛ لذا پیش خود می‌گفتم: مالم تلف شد...! تا این که پسرش امام جواد(ع) برایم پیغام فرستاد فردا به نزدش بروم. وقتی نزد حضرت رفتم، فرمود: «پدرم رحلت کرد و تو چهار هزار درهم از وی طلب داشتی؟» عرض کردم: آری. آن حضرت از زیر سجاده اش دینارهایی بیرون آورد و به من داد؛ بعد از محاسبه متوجه شدم دقیقاً

چهار هزار درهم است. ابوتمامه نقل می کند: روزی به حضرت عرض کردم: می خواهم به مکه بروم، در حالی که بدهی دارم، [شما چه می فرمایید]؟ امام فرمود: «ارجع الی مؤدی دینک، وانظر ان تلقی الله عزوجل و لیس علیک دین، فان المؤمن لا یخون؛ برای پرداخت بدهی ات برگرد، و دقت و توجه کن که خدای عزوجل را هنگامی ملاقات کنی (زیارت خانه خدا) که در ذمه ات بدهی نباشد؛ چرا که مؤمن [به حق الناس] خیانت نمی ورزد.»

کار آفرینی

ابوهاشم جعفری می گوید: قبل از اینکه نزد امام جواد(ع) شرفیاب شوم، شترچرانی با من درد دل کرد و گفت: به امام بگو فلانی، جویای کار است. وقتی پیش حضرت رفتم، دیدم با عده ای مشغول غذاخوردن است؛ لذا فرصت را مناسب ندیدم تا تقاضای ساربان را بیان کنم امام جواد(ع) مرا به خوردن غذا فراخواند و سپس به خدمتکارش فرمود: «شتربانی هست که با ابوهاشم نزد ما می آید، او را پیش خود نگهدار و برایش کاری معین کن تا مشغول شود.»

کنجینه ی بخشش

اسماعیل بن عباس هاشمی می گوید: در یکی از اعیاد به محضر امام جواد(ع) رفته و بعد از سلام، فرارسیدن عید را تبریک گفتم؛ سپس از تنگدستی خود شکایت کردم. حضرت گوشه ی سجاده اش را بلند کرد و از درون خاک، قطعه ای طلا بیرون آورد و به من بخشید. بعد از خداحافظی، با خوشحالی وارد بازار شدم و مایحتاج زندگی ام را خریدم. - ابوهاشم داود بن قاسم جعفری نقل می کند: امام جواد(ع) کیسه پولی، شامل سیصد دینار، به من داد تا به یکی از پسر عموهایش بدهم. سپس فرمود: «آگاه باش که او به تو خواهد گفت: «مرا به پیشه وری راهنمایی کن تا با این پول کالایی از او خریداری کنم.» ای ابوهاشم! او را راهنمایی کن.» وقتی نزد وی رفتم و پول را دادم، همان تقاضا را مطرح نمود و من نیز تاجری را معرفی کردم تا با هم داد و ستد داشته باشند.

سایه سار محبت

در طول زندگی، حوادثی را می توان مشاهده کرد که مسیر زندگی فرد و جامعه را دستخوش تغییر و تحول قرار می دهد؛ چه بسا آدمی در برخورد با ناملایمات، اراده و مقاومت مطلوبی از خود نشان ندهد و مغلوب رخدادها گردد. از این رو، براساس فرموده ی الهی و تواصوا بالحق و تواصو بالصبر. نیازمند حمایت معنوی و مادی اطرافیان است تا به برکت همیاری و مساعدت دیگران، از شدت و سنگینی «مصائب» کاسته شود. امام جواد(ع) به عنوان مربی و طبیب دلسوز امت اسلامی، برای پیش گیری و درمان برخی از حوادث ناگوار (زلزله، بیماری، مرگ، سرقت و...) نسخه های ماندگار و کارآمدی نگاشته است که به بیان نمونه هایی از آنها بسنده می شود.

در پناه قرآن و عترت

علی بن مهزیار نقل می کنند: به امام(ع) نامه نوشتم و از زلزله های متعددی که در «اهواز» واقع می شد، گلایه کردم و پرسیدم: به نظر شما از اهواز به جای دیگری کوچ کنم؟ امام در پاسخ نوشت: «از آنجا کوچ نکنید؛ بلکه روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرید و در روز جمعه، بعد از غسل کردن و پوشیدن لباس پاکیزه، در مکانی (مسجد و یا بیابان) جمع بشوید و به درگاه الهی دعا کنید؛ زیرا خداوند است که زلزله را از شما برطرف می گرداند.» زمانی که به دستورات حضرت عمل کردیم، زلزله ها پایان پذیرفت.

داروی شفابخش

محمد بن عمیر واقع رازی می گوید: دردی در قسمت کمر و پهلویم ایجاد شده بود که برخی از روزها شدت می یافت؛ لذا از امام جواد(ع) خواستم برای برطرف شدن آن دعا کند. حضرت برایم چنین دعا فرمود: «وَأَنْتَ فَعَاكَ اللَّهُ؛ خداوند به تو سلامتی عطا فرماید.» از آن لحظه تاکنون دیگر به آن بیماری دچار نشده ام. وی همچنین نقل می کند: با برادرم خدمت حضرت رسیدم وی از تنگی نفس شکایت کرد، امام در حقش فرمود «عَاكَ اللَّهُ مِمَّا تَشْكُو؛ از آنچه شکایت کردی، خداوند عافیت و سلامتی نصیب بگرداند.» وقتی از خانه ی حضرت بیرون آمدیم، بیماری برادرم خوب شد و تاهنگام رحلتش هم عود نکرد. ابوهاشم جعفری نقل می کند: همراه حضرت به باغی رفتیم، در آنجا عرض کردم: من به خوردن گل خیلی علاقه دارم، برایم دعا بفرمایید تا این عادت ناپسند را ترک کنم. امام در آن لحظه سکوت نمود؛ اما بعد از چند روز به من فرمود: «ای ابوهاشم! خداوند آن عادت را از تو برداشت؟» گفتم: آری، اکنون منفورترین و بدترین چیز پیش من، خوردن گل است. حضرت برای تسلای دل یکی از شیعیانش نامه ای فرستاد که در آن آمده است: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان! حادثه ی رحلت فرزندان را یادآور شده ای و برایم گفتی که او عزیزترین فرزندان بود؛ در واقع خداوند متعال نیز پاک ترین چیزها، از جمله فرزند هر خانواده ای را برمی گزیند تا بدین وسیله پاداش سرشاری به داغداران عطا کند.» امام جواد(ع) در ادامه چنین دعا می کند: «فَاعْظُمُ اللَّهَ أَجْرَكَ وَأَحْسِنْ عَزَاكَ...؛ پس، خداوند ثوابت را افزون گرداند و سوگواری ات را نیکو سازد و قلبت را پایدار کند، که به درستی خداوند تواناست. و نیز خداوند به زودی برایت جایگزینی (فرزندی) ارزانی دارد، و من امیدوارم که خداوند این کار (پاداش و صبر نیکو و تولد فرزندی صالح) را انجام دهد. به خواست خدا

پیام آور شادی

احمد بن حدید و همراهان وی در سفر حج، مورد یورش دزدان قرار گرفته و تمام دارایی، حتی پیراهن های آنها به سرقت رفت؛ زمانی که به مدینه برگشتند، احمد نزد امام رفت و ماجرا را بازگو کرد. در این موقع بود که آن حضرت پیراهن ها و دینارهایی به وی عطا کرد تا بین دوستان و همسفرانش تقسیم کند، او نیز شتابان پیش آنان رفت و سهم هر یک را داد؛ به گونه ای که همگی به اندازه ی اموال غارت شده ی خود بهره مند شدند و با کمال خوشحالی و سپاس گذاری به سوی خانه های خود رهسپار گردیدند.

زدودن نگرانی

یکی از خدمتکاران امام جواد(ع) در سفری پارچه هایی برای حضرت خریده بود، در هنگام بازگشت، اموالش مورد سرقت دزدان قرار گرفت و از این حادثه بسیار اندوهگین شد؛ برای کسب تکلیف، نامه ای به امام نوشت و ماجرا را گزارش داد. آن حضرت نیز در پاسخ چنین نوشت: «ان انفسنا و اموالنا من مواهب الله...؛ همانا جان ها و ثروت های ما از بخشش های گوارای خداوند و عاریه سپرده اوست. تا آنجا که از آن بهره مند شویم، مایه خوشی و شادی است و آنچه هم [به غارت] ببرند، اجر و ثواب است. بنابراین، هر که جزعش بر صبرش غالب شود، اجرش ضایع شده است. پناه بر خدا از آن.»

مسئولیت؛ خدمت، مهرورزی

یکی از اهالی سیستان می گوید: در اوایل حکومت معتصم عباسی همراه امام جواد(ع) و عده ای دیگر، عازم مراسم حج شدم؛ در مسیر مکه، به هنگام استراحت و خوردن غذا، خدمت امام عرض کردم: فدایت شوم! فرماندار شهر ما از محبان و دوستان شما می

باشد، در دفتر مالیاتی اش بدهکار هستم. خداوند، مرا فدایت سازد! اگر مصلحت می دانی، در خصوص نیکی کردن به من، نامه ای برایش بنویس. حضرت فرمود: او را نمی شناسم. گفتم: فدایت شوم! او از دوستان شما اهل بیت می باشد؛ نامه حضرت عالی مؤثر خواهد بود. امام جواد(ع) درخواستم را قبول کرد و این گونه نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم! اما بعد، فان موصل کتابی هذا ذکر عنک مذهباً جمیلاً و ان ما لک من عملک الا ما احسنت فيه، فاحسن الی اخوانک، واعلم ان الله عزوجل سائلک عن مثاقیل الذره و الخردل؛ به نام خداوند بخشایشگر مهربان! اما بعد، حامل نامه از عقیده ات به نیکی یاد کرده است، بدان که جز رفتار نیکو چیزی برای سودمند نخواهد بود. بنابراین، به برادران ایمانی خود نیکی کن. آگاه باش که خداوند متعال حتی از کوچک ترین چیزها، تو را مورد بازخواست قرار می دهد.» نامه را از امام گرفتم و به سوی وطن رهسپار شدم، والی سیستان (حسین بن عبدالله نیشابوری) وقتی خبردار شد که امام برایش نامه ای فرستاده، به استقبال آمد و بعد از بوسیدن نامه و خواندن آن، با کمال احترام از من پرسید: چه نیازی داری؟ من هم مشکل مالی و عدم توانایی ام در پرداخت مالیات را یادآور شدم. وی دستور داد: تا مادامی که من فرماندار هستم، فلاخی از پرداخت مالیات معاف است. آری، به برکت نامه‌ی امام جواد(ع) حاکم سیستان از آن روز تا هنگام رحلتش نسبت به من و خانواده ام «نیکی» نموده و هر از چند گاهی، هدایایی برایم می فرستاد.

رهایی از اسارت

یکی از سیاست های دشمنان، بازداشت و حبس اصحاب امامان(ع) بود؛ به شکلی که پیامدهای ناگواری برای اصحاب و خانواده‌ی آنان در پی داشت. امام جواد(ع) برای آزادی برخی از شیعیان، اقداماتی داشته که به یک نمونه اشاره می شود. در تاریخ پرفراز و نشیب «تشیع» مردان و زنانی را می توان معرفی نمود که نقش ممتاز و ماندگاری داشته اند؛ یکی از آنها «اباصلت»، خادم متعهد امام رضا(ع) می باشد. مأمون پس از شهادت امام و در روز خاکسپاری بدن مطهر حضرت، اباصلت را تحت فشار قرار داد تا حوادث روزهای پایانی و اسرار و گفتار امام رضا(ع) را بازگو کند... ادامه داستان را از زبان خود وی می شنویم: مأمون گفت: هر آنچه از علی بن موسی الرضا(ع) شنیده ای، برایم تعریف کن. به او گفتم: در این لحظه چیزی یادم نمی آید، در واقع فراموش شده بود. اما خلیفه عباسی حرفم را نپذیرفت و دستور داد مرا به زندان بفرستند... یک سال در زندان بودم و زندان برایم تنگ شده بود تا اینکه یک شب بیدار ماندم و از سوزیدای دل به راز و نیاز پرداختم و خداوند را به پیامبر و خاندانش سوگند دادم که مرا نجات دهد. هنوز دعایم به پایان نرسیده بود که ناگاه امام جواد(ع) را در کنار خود مشاهده کردم... حضرت بعد از گشودن زنجیرها، مرا از میان نگهبانان عبور داد؛ آنان در حالی که ما را می دیدند، قدرت سخن گفتن و ممانعت نداشتند. وقتی از محیط زندان خارج شدیم، امام جواد(ع) به من فرمود: «امض فی ودائع الله فانک لن تصل الیه و لایصل الیک ابد؛ رهسپار شو در پناه و حمایت خدا. چرا که هرگز به نزد مأمون نخواهی رفت و او نیز دیگر به تو دست نخواهد یافت.» اباصلت در پایان، می گوید: از آن هنگام تا الان، من و مأمون هیچ گاه یکدیگر را ندیده ایم.

جویبار مهر

اشاره

امام جواد(ع) در راستای نکوداشت صالحان و ترویج «مهرورزی» اقدامات شایان توجهی داشته که به برخی از آنها اشاره می شود.

تشویق های پایایی

- یکی از شاگردان نمونه‌ی امام جواد(ع) که بارها مورد تجلیل و تحسین آن حضرت قرار گرفته، «علی بن مهزیار اهوازی» است. با مرور حوادث تاریخی عصر مأمون و معتصم عباسی، درمی یابیم که شخصیتی چون علی بن مهزیار در گفتار و رفتار خود، ویژگی‌های ممتازی داشته که کمتر کسی به آن پایه و رتبه رسیده است! در اینجا به فرازهایی از نامه‌های حضرت در ستایش «علی بن مهزیار» می پردازیم. ... قد ملأتنی سروراً فسرک الله، و أنا ارجو من الکافی الدافع، أن یکفیک کید کل کائد ان شاءالله؛... به تحقیق [با گزارش این اخبار] مرا خوشحال گردانیدی، خدا نیز تو را شادمان سازد و از درگاه خداوندی که کفایت کننده و دفع کننده است، آرزومندم تو را از خطر هر نیرنگ بازی تحت کفایت و عنایت خود قرار دهد. به خواست خدا. سررتنی بما ذکرت من ذلک، و لم تزل تفعل، سرک الله بالجنه و رضی عنک برضائی عنک، و أنا أرجو من الله العفو و الرأفة؛... مرا به سبب اخباری که گزارش داده ای، شادمان ساخته ای، همچنان این کار را انجام بده. خداوند تو را [به ورود] به بهشت مسرور گرداند و از تو خشنود باشد به جهت خشنودی من از تو، و من برای تو از پیشگاه الهی بخشش و عنایت آرزومندم... یا علی! أحسن الله جزاک، و أسکنک جنته، و حشرک الله معنا؛ ای علی! خداوند پاداشت را نیکو گرداند، و تو را در بهشت خود سکنا دهد، و از خواری در دنیا و آخرت نگاه دارد، و نیز تو را با ما محشور سازد. ای علی! بارها تو را در خصوص خیرخواهی، اطاعت، خدمت، احترام کردن و انجام دادن وظایف آزموده ام؛ لذا اگر بگویم: «شخصی همانند تو را [در بین یارانم] ندیده ام» هر آینه امید و باور دارم که به صداقت، چنین سخنی گفته ام. بنابراین، خداوند پاداش تو را سکونت در باغ های بهشتی قرار دهد، و [آگاه باش که] جایگاهت و نیز خدماتی که در گرما و سرما و شب و روز انجام داده ای، بر من پوشیده نیست؛ لذا از خداوند مسئلت دارم به هنگام گردآمدن مردم در رستاخیز، تو را مورد رحمت ویژه قرار دهد تا شادمان شوی؛ چرا که خداوند، شنونده‌ی دعاست.»

پاداش نیکی

- قاسم بن حسن تعریف می کند: در مسیر مکه و مدینه بودم که چادرنشین مستضعفی نزد آمد و درخواست کمک کرد، دلم به حالش سوخت؛ لذا قرص نانی به وی دادم. هنگامی که از پیشم رفت، طوفان و گرد و غباری به پاخاست، به طوری که عمامه ام را از سرم برداشت و برد و من نفهمیدم باد، چگونه آمد و عمامه ام را کجا برد تا اینکه وارد مدینه شدم و خدمت امام جواد(ع) رسیدم؛ حضرت پرسید: «عمامه ات در جاده ناپدید شد؟» عرض کردم: بله. در این موقع، به غلامش فرمود: «عمامه اش را نزدش بیاور.» با دیدن آن، شگفت زده پرسیدم: ای پسر پیامبر! چگونه پیش شما آمده است؟! حضرت، لبخندی زد و فرمود: «تو بر آن اعرابی صدقه دادی؛ لذا خداوند پاداش تو را داده و عمامه ات را برگرداند. زیرا (ان الله لایضیع أجر المحسنین؛ خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد.» تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

چشمه سار عطوفت

اشاره

- محمد بن ولید کرمانی می گوید: در مسیر سفر، همراه امام جواد(ع) بودم تا اینکه وقت غذا خوردن فرا رسید؛ وقتی غذا خوردیم و سفره برچیده شد، غلام به جمع آوری ریزه های غذا پرداخت. در این هنگام، امام فرمود: «هرگاه در صحرا غذایی باقی ماند (حتی ران گوسفند) آن را بردارید [تا جانوران و حیوانات از آن بهره مند شوند] اما در محیط خانه، دورریزها را جست و جو و جمع کنید [تا مبادا پایمال شود].»

تکریم پدر

- بکربن صالح می گوید: دامادم به امام جواد(ع) نامه نوشت که: پدرم از دشمنان شما (ناصبی) و فاسدالعقیده است و گاهی از ناحیه او، سختی و دشمنی می بینم. فدایت شوم! برایم دعا بفرمایید. فدایت شوم! شما چه دستوری می دهید، آیا با وی ستیز داشته باشم یا مدارا کنم؟ امام در پاسخ نوشت: «المداراء خیر لک من المکاشفه، و مع العسر، یسر، فاصبر فان العاقبه للمتقین، ثبتک الله علی ولایه من تولیت، نحن و انتم فی ودیعه الله الذی لاتضیع و دائعه!... مدارا کردن برای تو از ستیزه جویی بهتر است، و [آگاه باش که] همراه سختی و دشواری، آسانی و گشایش هم وجود دارد. بنابراین، بردبار باش؛ چرا که سرانجام نیک، از آن پرهیزکاران است. خداوند تو را بر ولایت آن که دوستدارش هستی (امامان)، استوار گرداند. ما و شما در حمایت و سپرده خدایی هستیم که اماناتش تباہ نخواهد شد».

توشه آخرت

از آنجا که مدت زمان زندگی دنیوی و نیز مسئولیت های اجرایی و علمی، بسیار محدود و گذرا است؛ می طلبد که با به جا نهادن خدمات شایسته (باقیات الصالحات) دعای خیر مردم را دیباچهی مرحلهی بازنشستگی و نیز بدرقهی سفر اخروی خود گردانیم. در مکتب تربیتی امام محمد تقی(ع) آموزه هایی وجود دارد که بهره گیری از آنها «ارزش افزوده ی» زندگی و توانایی ما را بیشتر و بهتر تضمین می کند.

توفیق خدمت

- اربع خصال تعین المرء علی العمل: الصحه و الغنی والعلم و التوفیق؛ چهار چیز موجب یاری انسان بر انجام کار می شود: سلامتی، ثروت، دانش و توفیق الهی المؤمن ینحتاج الی توفیق من الله؛ مؤمن به توفیق از طرف خدا، نیاز دارد.

برکات خدمت

- موت الانسان بالذنوب اکثر من موته بالاجل و حیاته بالبر اکثر من حیاته بالعمر؛ مرگ انسان به واسطه ی انجام گناه، بیشتر است تا مرگ طبیعی و عادی، و نیز زندگی او به سبب نیکی و احسان، بیشتر است از زندگی معمولی. اهل المعروف الی اصطناعه احوج من اهل الحاجه، لان لهم اجره و فخره و ذکره...؛ نیکوکاران به انجام کار نیک، محتاج تر هستند از حاجتمندان و نیازمندان. زیرا پاداش، مباحات و خوش نامی آنها به سبب انجام احسان و نیکی است.

حسن اخلاق

- عنوان صحیفه المؤمن حسن خلقه؛ خوش اخلاقی، در راس نامه ی اعمال مؤمن است.

سفره ی احسان

خداوند متعال به هر یک از ما - کم و بیش - نعمت هایی داده که دوام و برکت آن منوط به رعایت اموری چند است. گفتار آسمانی امام جواد (ع) بیانگر این نکات می باشد. هذا من فضل ربی - ما انعم الله عزوجل علی عبده نعمه فعلم انها من الله الا کتب الله جل اسمہ له شکرها قبل ان یحمده علیها؛ هر نعمتی که خداوند صاحب عزت و جلال، به بنده اش عطا می کند، اگر او بداند که از جانب خداست، پیش از آنکه وی زبان به ستایش باز کند، خداوند - که نامش با شکوه است - شکر نعمت را برای بنده اش می

نویسد.

بقا و فنا

– ان لله عبداً يخضم بدوام النعم، فلا تزال فيهم ما بذلوها، فان منعوها نزعها الله عنهم و حولها الي غيرهم، همانا خداوند را بندگانی است که ایشان را به دوام و بقای نعمت تخصیص می دهد. پس، تا مادامی که بذل و بخشش می کنند، نعمت در میانشان ماندگار است و هرگاه از بهره مند ساختن دیگران خودداری کنند، خداوند نیز آن نعمت را از آن ها گرفته و به افراد دیگری منتقل می گرداند. – ما عظمت نعمه احد الا عظمت حوائج الناس اليه، فمن لم يتحمل تلك المونه عرض النعمه للزوال؛ نعمت هیچ کسی فزونی نمی یابد مگر آنکه نیاز و مراجعه‌ی مردم به او فراوان می شود. پس، هرگاه کسی متحمل این بار گران (مراجعه‌ی نیازمندان و ارباب رجوع) نشود، آن نعمت نیز در معرض فنا و زوال قرار خواهد گرفت [و به دیگری عطا خواهد شد].

آیین دوستی

یکی از محیط های «تبادل محبت» محافل دوستی و رفاقت است؛ به گونه ای که بسیاری از طبقات گوناگون مردمی «عواطف» خود را در نشست های دوستانه آشکار و منتقل می کنند. به عبارت دیگر، مجالسی که توسط دوستان تشکیل می یابد، محفل انس، محبت و مهرورزی است چنانکه پس از پایان مجلس وهنگام خداحافظی، «آرامش و خرسندی» در چهره ها و رفتارها نمایان و محسوس می شود. امام جواد (ع) برای استحکام بخشیدن به این پیوندها، مطالبی را بیان فرموده که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

انگیزه‌ی رفاقت

– من استفاد اخا فی الله فقد استفاد اخاً فی الجنة؛ کسی که در راه خدا برادری به دست آورد، گویا برادری در بهشت نصیب خود ساخته است. – الناس اخوان فان كانت الاخوة فی غیر ذات الله فإنها تعود عداوة و ذلك قوله تعالى: الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین. مردم برادران یکدیگرند، پس اگر دوستی و برادری برای غیر خدا باشد، منجر به دشمنی می شود و این، فرمایش خداوند بلند مرتبه است که: «در روز قیامت به جز تقوای پیشگان، برخی از دوستان با یکدیگر دشمنی می کنند».

آئینه باش!

– من نصح الانسان لاخیه نهیه عنا لایرضاء لنفسه؛ از جمله نشانه های خیرخواهی آدمی نسبت به برادرش، بازداشتن اوست از آنچه خود نمی پسندد.

آفت دوستی

– لا تفسد الظن علی صدیق قد اصلحك الیقین له؛ مبادا به سبب گمان [بد] در حق دوست، یقین خود را دربارهی خوب بودن وی، فاسد و تباه گردانی!

مساعدت و همیاری

– من صدق صحبه الرجل اسقاط المونه عن اخیه؛ یکی از نشانه های صداقت آدمی در دوستی، برطرف کردن مشکل برادرش می

باشد.